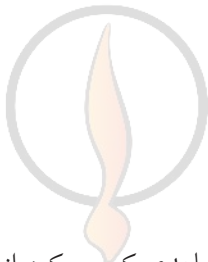


هزاره‌ها و سیستم وجوهات شرعی



□ حفیظ الله محمدی

چکیده

هزاره‌ها، قدیمی‌ترین مردم افغانستان اند، در طول تاریخ افغانستان برای این دیار افتخار و سربلندی کسب کرده‌اند. هزاره‌ها، تنها اختصاص به شیعیان ندارند، هزاره‌ها، اسماعیلیه، سنی مذهب و شیعه مذهب اند. هزاره‌های دوازده امامی، معتقد به امامت و عصمت دوازده شخص از فرزندان فاطمه الزهرا (س) اند. سالانه وجوهات شرعی شان را به نام زکات و خمس به امام در عصر حضور و به دفاتر مراجع تقلیدشان در عصر غیبت تحویل می‌دهند که در مقاله زیر با مردم هزاره و وجوهات شرعی این مردم بیشتر آشنا خواهیم شد.

کلید واژه‌ها: هزاره، وجوهات، زکات، خمس

مقدمه

زندگی بشر همواره دچار تحول و تغییر است و این تغییر و تحول همراه فراز و نشیب بوده است، گاهی به سوی ترقی و پیشرفت و گاهی به سوی سقوط و اضمحلال سوق داده شده است، خوشبختانه حرکت و سوق به سوی ترقی و پیشرفت بیشتر و مؤثرتر بوده است. این تحول‌ها و تغییرات توسط انسان صورت گرفته است و می‌گیرند بسیار مورد کم و نادر است، طبیعت و اتفاق‌ها طبیعی منشأ تحول و تغییر قرار گرفته باشند. سرزمین و جغرافیایی به نام خراسان و افغانستان

امروزی از این تحولات و تغییرات مستثنا نیست و نبوده است، این دیار همواره میدان تاخت و تاز سلاطین و پادشاهان بوده است، پادشاهان و سلاطین بزرگ مانند اسکندر مقدونی و چنگیز خان مغولی در این جغرافیا لشکرکشی کرده‌اند و با مردان این سرزمین دست و پنجه انداخته‌اند. مردم افغانستان در بره‌های از زمان بدین اسلام گرویده‌اند و اسلام را اختیار کرده‌اند. افغانستان دارای تاریخ طولانی و غمناک است و بیشترین درد و ظلم را مردم هزاره متحمل شده‌اند و از طرفی بیشترین افتخارات و مدال را برای افغانستان نیز مردم هزاره کسب کرده‌اند.

۱. هزاره‌ها

سرزمین خراسان قدیم و افغانستان امروز از لحاظ جمعیت و فرهنگ دارای اقوام، نژاد و مذاهب گوناگونی است، در این گوناگونی و تعدد، این سؤال همواره مطرح بوده است که مردم اصلی این سرزمین کی‌هائند؟

در پاسخ به این سؤال تحقیق‌ها و پژوهش‌هایی صورت گرفته‌اند که تعداد از این جواب‌ها و تحقیق‌ها همراه عرق قومی، نژادی و مذهبی بوده‌اند و کمتر تحقیق جامع و منصفانه صورت گرفته است. دانشمندان و محققانی که اغلب خارجی‌اند، پیرامون این سؤال، تحقیق کرده‌اند و نظریات گوناگون را مطرح کرده‌اند. به این خاطر که موضوع پژوهش، مردم هزاره است، نگارنده مختصری از گذشته این مردم را مورد بررسی قرار داده است:

هزاره‌ها از ساکنان اصلی افغانستان‌اند. این نظریه توسط محقق فرانسوی قرن نوزدهم «ژ- فییر» پایه‌گذاری شد، طبق نظرایشان، هزاره‌ها سابقاً در زمان اسکندر مقدونی در محلی زندگی می‌کردند که فعلاً در آن‌جا بودوباش دارند. فییر برای اثبات ادعای خود از نوشته‌های مورخ قدیمی یونان «کورتس» درباره حملات زمستانی اسکندر مقدونی به مناطق مرکزی افغانستان استفاده می‌کند (خانف، ۱۹: ۱۳۷۴). نظریه‌ای فریرا برخی از محققان افغانستانی چون عبدالحی حبیبی مورد تأیید قرار داده‌اند. حبیبی با استناد به اطلاعات فراهم آمده در تمدنی ایرانی اثر فوشر، یک سری شواهد زبان‌شناختی ارائه می‌کند که مؤید نظریه بومی بودن هزاره‌ها است (موسوی، ۱۳۷۹: ۴۷). دومین نظریه که در مورد مردم هزاره مطرح شده است، این است: هزاره‌ها^{۱۳۹} بازماندگان مغول‌هائند. «آرمینوس ومبری»، «مونت استوارت الفستون» و الکساندر بورس» در میان اولین طرفداران این نظریه قرار دارند. براساس این نظریه، هزاره‌ها بازماندگان سربازان مغول‌اند که با ارتش چنگیز خان به افغانستان آمده‌اند (موسوی، ۱۳۷۹: ۴۹). البته این نظریه به خاطر ساختار ظاهری و اسکلت مردم هزاره بیشتر مطرح می‌شود. سومین نظریه درباره هزاره‌ها این است: که آن‌ها نژاد مخلوط دارند. براساس این

نظریه هزاره‌ها تنها بازماندگان ترک و مغول‌ها یا فقط مغول‌ها نیستند؛ بلکه ترکیبی از این دو و دیگر نژادها چون تاجیک‌ها، افغان‌ها و دیگران هستند... چنین نظریه‌ای ابتدا توسط «اچ. اف. شرمن» در سال ۱۹۶۲ م، ارائه شد (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۷).

موسوی بعد از ذکر این نظریه به نقد و بررسی آن می‌پردازد، نظریه‌های مذکور را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و به کاستی‌ها و کمبودهای نظریه‌های مذکور از نگاه شواهد و مدارک اشاره می‌کند، بعد از این بررسی، نظریه دیگر را مطرح می‌کند که چهارمین نظریه در پاسخ به سؤال مذکور است. چهارمین نظریه در مورد هزاره‌ها این است: هزاره‌ها: الف- یکی از قدیمی‌ترین ساکنان منطقه هستند؛ ب- آمیزه‌ای نژادی و گروه‌های قومی مختلف هستند؛ که لشکریان چنگیزخان و امیر تیمور فقط بخشی از آن‌ها و نسبتاً جدید به شمار می‌آیند؛ و ج- ساختار قبیله‌ای زبانی هزاره‌ها تا حدی زیادی از همه این مردمان گوناگون تأثیر پذیرفته است (مانند اثرگذاری عرب‌ها بر مذهب و فارسی بر فرهنگ‌شان) (موسوی، ۱۳۷۹: ۷۳).

در این‌که کدام از نظریه‌ها مطابق حق و واقعیت است؛ قضاوت نمی‌کنیم و نمی‌توانیم، قضاوت صحت و سقم این اندیشه‌ها را به محققان مصنف محول می‌کنیم تا با اندوخته‌های علمی و انصاف خود به دنبال کشف حقیقت و واقعیت تلاش کنند.

هزاره‌ها بخش عظیم از مردم افغانستان هستند، هزاره‌ها اختصاص به شیعه و مذهب شیعه ندارد، بلکه در کنار شیعه‌ای دوازده‌امامی، شیعه‌های اسماعیلیه و هزاره‌های سنی مذهب قرار دارند. قسمت اعظم هزاره‌ها، مسلمان «شیعه مذهب» شمرده می‌شوند، جز طایفه (دایزینیات) که در جوار قسمت‌های شمالی کوه‌های هندوکش زندگی می‌نمایند، به شمول عده‌ای طوایف هزاره‌های شیخ‌علی که مسلمانان سنی مذهب‌اند. همچنان در میان هزاره‌ها فرقه‌های اسماعیلیه نیز یافت می‌شوند که می‌توان از طوایف ذیل نام برد: پاینده محمد (داد خان) (صحبت خان) که از طوایف دای‌چوپان است و قسمتی از طوایف شیخ‌علی فرقه اسماعیلیه و

تحت رهبری غازان خان به اصول لسانی اعتقاد داشتند؛ اما هنگامی که غازان خان در سال ۱۲۹۵ که بر قدرت نشست و خودش اسلام آورد، بعد از آن تلاش زیاد کرد تمام مغول‌های منطقه‌ای خود را مسلمان سازد (خانف، ۱۳۷۲: ۴۸)؛ البته این نظریه بیشتر متکی به دیدگاه خانف است، این که مردم هزاره مغولی و از بقایایی لشکر مغول هستند.

به نظر من گرویدن هزاره‌ها به مذهب شیعه در دوره خاص مشخص اتفاق نیفتاده است و نمی‌توان گفت که هزاره‌ها در زمان خاصی از تاریخ به این مذهب رو آورده باشند. در واقع، چنین تجزیه و تحلیل‌های مکانیکی از هر پدیده‌ای تاریخی و اجتماعی کاری نادرست است؛ هر تغییر در جامعه انسانی در طول یک دوره زمانی نه چندان کوتاه به وقوع می‌پیوندد که طی آن فرایند توسعه خود را می‌پیماید. «شیعه شدن» هزاره‌ها نیز، مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی و تاریخی، طی یک دوره زمانی طولانی صورت گرفته است که این فرایند طی چند دهه گذشته وارد مرحله جدید شد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که هزاره‌ها ابتدا در زمان غازان خان به مذهب شیعه گرویدند؛ این فرایند در سراسر دوران حکمروایی ابوسعید و پس از آن نیز ادامه یافت؛ و در زمان شاه‌عباس صفوی شدت و رونق بیشتری گرفت (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

حال با شناخت و آگاهی از سیر تاریخی مردم هزاره و نیز چگونه شیعه شدن این مردم، به تبیین وجوهات شرعی در بین این مردم می‌پردازیم، مردم هزاره همان‌گونه دانسته شد، اختصاص به مذهب شیعه دوازده‌امامی ندارند؛ بلکه هزاره‌های اسماعیلیه و نیز سنی مذهب هم هستند. آن‌ها مطابق مذهب و آئین خودشان عمل می‌کنند؛ ولی متأسفانه به خاطر مسائل و دلایل درباره آن‌ها تحقیق و بررسی زیاد صورت نگرفته است؛ حتی هستند هزاره‌های که از ترس و یا آگاهی نداشتند، نژاد هزاره‌گی خویش را انکار می‌کنند.

نگارنده در این نوشته رسم و آئین شیعیان دوازده‌امامی را مورد مطالعه قرار داده است. شیعیان دوازده‌امامی سالانه وجوهات شرعی را به نام خمس،

هزاره‌های شیخ‌علی عبارت از آن گروه اسماعیلیه‌اند (خانف، ۱۳۷۲: ۴۳).

در این که هزاره‌ها چگونه به مذهب شیعه گرویده‌اند، نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف را مطرح کرده‌اند. طبق نظر (ن، ا، آرتوف) هزاره‌ها، مسلمانان را از ساکنانی اصلی منطقه (تاجیک‌ها) آموختند که مذهب تشیع پایبند بودند؛ لیکن متأسفانه آرتوف به هیچ صورت نظرش را ثابت نتوانسته است و منابعی را که اساس طرح خود قرار داده است، ذکر نمی‌کند، علاوه بر آن، باید اضافه کرد تمام تاجیک‌های افغانستان به جز ساکنان بدخشان و واکان به مذهب سنی اسلامی معتقدند و شیعه مذهب نیستند (خانف، ۱۳۷۲: ۴۴). نظر دیگر نیز وجود دارد که بر اساس آن هزاره‌ها در زمان شاه‌عباس (سال‌های ۱۵۸۷-۱۶۲۹) به مذهب شیعه گرویده‌اند، این نظریه اولین بار توسط (گ، ومبری) در سال‌های شصت قرن نوزدهم اعلام گشت؛ شاه‌عباس آن‌ها را (هزاره‌ها را) به قبول تشیع وادار کرد (خانف، ۱۳۷۲: ۴۵). نظریه گرویدن هزاره‌ها به شیعه در زمان شاه‌عباس مورد تأیید خود آنان نیز هست. محققان سرشناسی چون محمد اسماعیل مبلغ و محمدعلی مدرس طی گفت‌وگویی که با آنان داشتیم، بر همین نظر بودند. البته این نظریه خالی از ضعف نیست (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)؛ البته افراد و بزرگان دیگر از مردم هزاره هستند که چنین پندار را رد و نقد کرده‌اند. عده‌ای پنداشته‌اند که مذهب شیعی از زمان صفویه به این سو در هزارجات رواج یافته است که این یک پندار محض است و هیچ‌گونه شاهد تاریخی بر این ادعا یافت نمی‌شود، حقیقت آن است که مردم این کوهستان از زمانه دور و قبل از آن که آنان صفویه سید و شیعه را بشنوند، آن‌ها شیعه خالص بوده‌اند... مرکز شیعیان غور یا مسلمین غور اولین تمرکز شیعه در بلاد غور بوده است (بیزدانی، ۱۳۷۲/ ج ۱: ۷۳).

خانف نظریه اول و دوم را مورد نقد و واکاوی قرار می‌دهد و برای بطلان و نادرست بودن این باورها استدلال می‌کند در اخیر می‌نویسد: به نظر ما، اسلاف «هزاره» موقعی به اسلام گرویدند که تمام اولوس مغولی (هلاکو خان) به اسلام دعوت شدند، مغول‌ها تماماً پیش از هلاکو خان و در زمان وی (بت پرست) بودند و

زکات و گاهی كفاره (مالی که در صورت تخلف از احکام شرعی پرداخت می‌شود) در عصر حضور به معصومین در عصر غیبت به نائبان خاص و عام او تحویل می‌دهند.

۲. وجوهات شرعی

وجوهات جمع وجوه به معنای پول‌ها است. خمس، زکات و رد مظالم است که به برخی از مجتهدان خاص (مراجع تقلید) پرداخت می‌شود. وجوهات شرعی اصطلاح عرفی است و در متون اصلی دینی به کار نرفته است. وجوهات شرعی واجب (خمس و زکات) را باید به حاکم شرع، نماینده و کیل او پرداخت کرد (ویکی شیعه).

۱-۲ زکات

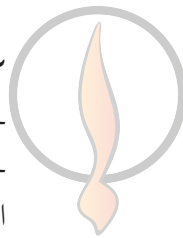
زکات در کلام عرب از ماده «زک و» گرفته شده است و دو معنی برای آن ذکر شده است: رشد و نمو و طهارت (پاکی). زکات یکی از مهم‌ترین دستورات دین اسلام است که در بسیار موارد همراه نماز ذکر شده است. بر پایه آیات قرآن و

احادیث، زکات مالی است که منظور پاکی و وارستگی انسان‌ها و تأمین مالی مستمندان وضع شده است و سبب افزایش روزی و وفور اموال و امنیت اقتصادی در جامعه است. زکات بر دو نوع است: زکات فطره؛ کسی که موقع غروب آفتاب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر و بنده دیگری نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع گندم که تقریباً سه کیلو است، گندم، جو، کشمش، برنج یا ذرت و مانند این‌ها به مستحق به عنوان زکات بدهد. زکات اموال؛ مقصود از زکات اموال، زکاتی است که سالانه به برخی از اموال تعلق می‌گیرد. زکات در نه چیز واجب گشته است که عبارت‌اند از: غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش) انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) نقدین (طلا و نقره). در قرآن کریم سوره توبه آیه شصت و هشت مورد مصرف برای زکات ذکر شده است: فقرا، مساکین، عاملان زکات، ایجاد الفت، آزادی بردگان، بدهکاران و در راه ماندگان (عزیزی و کشفگری، ۱۳۹۵: ۱۲۵). زکات برای انسان عاقل، بالغ و مالک وجب است، باید هر سال از اموال مذکور با نصاب خاص که در فقه شیعه برای آن‌ها بیان شده است، به امام، نائب خاص و نائب عام امام پرداخت کند.

۲-۲ خمس

خمس در لغت به معنای یک پنجم هر چیز است. خمس از فریض است، خداوند برای محمد (ص) و نسل او عوض از زکات تشریح کرده است، کسی یک درهم از آن را منع کند از جمله ظالمین بوده است و غاصبین حق آن‌ها است (محقق، بی تا: ۳).

خمس در لغت به معنای یک پنجم و در اصطلاح شرعی، مالیاتی است معادل یک پنجم است که شریعت، آن را در مواردی تعیین کرده است. با ملاحظه خصوصیات پول، لزوم پرداخت و نرخ ثابت و پرداخت سالانه، می‌توان خمس را از جمله مالیات‌های ثابت دانست که بخش مهمی از هزینه‌های حکومت اسلامی از طریق آن تأمین می‌شود. وجوب اصل خمس از ضروریات اسلام است و در قرآن در آیه چهل سوره انفال به آن تصریح شده است.



در این که هزاره‌ها چگونه به مذهب شیعه گرویده‌اند، نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف را

مطرح کرده‌اند. طبق نظر (ن، ا، آرتوف) هزاره‌ها، بنیاد اندیشه مسلمانانی را از ساکنانی اصلی منطقه (تاجیک‌ها)

تأسیس ۱۳۹۴

آموختند که مذهب تشیع پایبند بودند؛ لیکن متأسفانه آرتوف به هیچ صورت نظرش را ثابت نتوانسته است و منابعی را که اساس طرح خود قرار داده است، ذکر نمی‌کند، علاوه بر آن، باید اضافه کرد تمام تاجیک‌های افغانستان به جز ساکنان بدخشان و واخان به مذهب سنی اسلامی معتقدند و شیعه مذهب نیستند.

آیت‌الله محقق^(۵) بعد از طرح این اشکال به بررسی و ارزیابی جواب‌هایی خویی و فقهای شیعه می‌پردازد و در پایان بررسی و ارزیابی خود می‌فرماید: «لیکن انصاف ظاهر آیه مبارکه (آیه ۴۱ انفال) ظاهر در عموم و در عموم غنیمت است» (محقق، بی تا: ۲۵۲). بنابراین از غنیمت مطلق ربح و فایده مراد است و وجوب خمس ارباح مکاسب از آن استفاده می‌شود. آیت‌الله محسنی^(۶) باورمند بر حلال بودن و بخشیده شدن خمس است، از اخبار تحلیل تنها دوران امام جواد، هادی و عسکری^(۷) را استثنا می‌کند» (محسنی / ج ۲: ۲۹۸).

در مواردی پرداختن کفاره راهم از وجوهات شرعی محسوب کرده است، کفاره، در لغت به معنای تلافی، جبران و پوشاندن گناه آمده است. در فقه بر اطعام شصت مسکین یا آزاد کردن برده‌ای یا شصت روز روزه گرفتن اطلاق می‌شود. مردم هزاره اغلب در صورت اطعام شصت مسکین، پول و مخارج آن اطعام را به دفاتر مراجع تقلید تحویل می‌دهند. نیز در مظالم را از وجوهات شرعی محسوب کرده است؛ اما در میان مردم هزاره، زکات و خمس و گاهی کفاره به نمایندگی مراجع و یا وکیل او پرداخت می‌شود.

شایسته است بدانیم این که مردم هزاره یعنی شیعیان دوازده امامی از لحاظ پرداختن مالیات در طول تاریخ در مشقت بوده‌اند؛ چون آن‌ها به علاوه‌ای پرداختن مالیات به حکومت، مالیات دیگری به نام خمس و زکات به دفاتر مراجع تقلیدشان تحویل می‌دهند. به عبارت دیگر آن‌ها در سال در حقیقت سه مالیات پرداخت می‌کنند؛ زکات، خمس و مالیات حکومتی، این، به خاطر این است که دانشمندان و فقهای اهل تشیع باورمند هستند، امامان و نایب خاص یا عام (مراجع) امام، فقط صلاحیت اخذ مالیات را دارند و فقط با وجود آن‌ها حکومت اسلامی محقق می‌شود و پرداختن مالیات اسلامی فقط به آن‌ها مجزی است.

نتیجه‌گیری

سرزمین و مردم، دو رکن مهم برای حکومت و حاکمیت

خمس به هفت مورد تعلق می‌گیرد که عبارت‌اند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال مخلوط به حرام، جواهری که به وسیله غواصی از دریا به دست می‌آید، غنیمت جنگی و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، یک پنجم این موارد، متعلق به بیت‌المال است و باید صاحب مال آن را از مال خود جدا کرده و به قصد قربت، تحویل بیت‌المال بدهد (عزیزی و کشفگری، ۱۳۹۵: ۱۲۴). همین‌طور، سیدها یک مقدار پول یا جنس را از میان دهقانان و رعیت به نام «خمس» جمع می‌کردند که یک پنجم تمام محصولات را تشکل می‌داد (خانف، ۱۳۷۲: ۱۱۶). این نکته لازم به ذکر است که خمس اختصاص به دهقانان ندارد و نیز خمس از محصولات و اجناس گرفته می‌شود که از لوازم ضروری خانه نباشد و در یک سال از آن جنس استفاده نکرده باشند.

مشهور بر این است: «خمس شش قسمت می‌شود، سه قسمت سهم خداوند، رسول او و ذوالقربی، این مقدار نصف از خمس است. مسلمان مکلف است به امام در عصر حضور و در عصر غیبت به نایبان امام که فقهای جامع‌الشرایط هستند تحویل بدهند. سه قسمت دیگر خمس که نصف دیگر خمس است برای ایتام، مساکین و در راه ماندگان هاشمی (از طرف پدر منسوب به عبدالمطلب است) تحویل داده می‌شود» (عاملی، ۱۴۱۲/ ج ۱: ۲۴۰). در زمان غیبت دو قسمت می‌شود: «یک قسمت آن مال امام عصر، حضرت منتظر-عج- است و این نصف به خاطر این که مال منصب امام است در زمان غیبت به فقیه جامع‌الشرایط تعلق می‌گیرد و نصف دیگر آن متعلق به ایتام، مساکین و در سفر مانده‌ای سادات بنی‌هاشم است، در تمام این اصناف، ایمان و در ایتام فقر معتبر است؛ اما در سید سفر مانده فقر در مسافرت کفایت می‌کند» (فیاض، ۱۳۹۷: ۳۱۵).

از متعلقات و اجناس خمسی فقط خمس ارباح مکاسب بین فقها به خصوص متأخرین اختلافی است به این مقصود: «مشهور فقهای شیعه بر وجوب خمس باورمند است؛ ولی از طرفی سیره در عهد و عصر رسول خداوند قائم نشده است که پیامبر اسلام (ص) امام علی^(۸) خمس را از مردم گرفته باشد» (محقق، بی تا: ۲۵۱).

در افغانستان اند. هزاره‌ها، از روزگاران دور در این سرزمین زندگی می‌کردند و رکن اصلی حاکمیت و حکومت بوده‌اند. در بومی بودن و یا نبودن مردم هزاره، نظریه‌هایی مانند مردم هزاره از بقایای لشکریان چنگیز خان هستند و مغولی‌اند یا مردم هزاره از ساکنان اصلی این سرزمین‌اند و یا مردم هزاره ترکیبی از چند نژاد هستند، وجود دارد که نظریه بومی بودن به حقیقت نزدیک‌تر از نظریه‌های دیگر است.

در این‌که مردم هزاره در کدام بره‌های از تاریخ، مذهب شیعه را اختیار کرده‌اند، بین دانشمندان تاریخ، اختلاف است، سست‌ترین نظریه این است که هزاره‌ها، مذهب شیعه را از تاجیک‌ها آموخته‌اند یا به دستور شاه‌عباس صفوی شیعه را اختیار کرده‌اند یا در زمان اسلام آوردن هلاکو خان به مذهب شیعه گرویده‌اند. درست آن این است که هزاره‌ها از دوران حاکمیت غوریان تا امروز به تدریج مذهب شیعه را اختیار کرده‌اند.

مردم هزاره یعنی شیعیان دوازده‌امامی سالانه وجوهات شرعی‌ای به نام زکات و خمس پرداخت می‌کنند، در وجوب زکات شک و شبهه در نزد مسلمین نیست؛ اما در وجوب خمس بین فقها اختلاف است، فقهایی مانند آیات عظام محقق کابلی، فیاض و خوبی باورمند به وجوب خمس‌اند و فقه‌های دیگر مانند محسنی باورمند به بخشیده شدن خمس برای شیعیان است و فقط عصر امام جواد، امام هادی و امام عسکری از این عفو استثناء شده است. □

منابع

۱. خانف، ل، تیور، (۱۳۷۲) تاریخ ملی هزاره، مترجم، عزیز طغیان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ایران عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۲) الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشی - سلطان العلماء)، ۲ جلد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۲. عزیز، باقر حسامی، کفشگری، اسماعیل یعقوبیان، (۱۳۹۵) خمس و زکات و جایگاه آن در اقتصاد کشورهای اسلامی، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره دوم، ایران
۳. فیاض، اسحاق (۱۳۷۹). توضیح المسائل، کابل، دفتر معظم‌له - کابل.
۴. محسنی، محمد آصف. (۱۴۲۹). حدود الشریعة، ۲ جلد، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
۵. محقق کابلی، قربانعلی (بی‌تا). المباحث الفقهیه (کتاب الخمس) بی‌جا، بی‌نا
۶. موسوی، سید عسکر. (۱۳۷۹) هزاره‌های افغانستان، مترجم، اسدالله شفایی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ.
۷. یزدانی (حاج کاظم)، حسینعلی. (۱۳۷۲) پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ۲ جلد، قم، محمد امین شریفی.

